

برگمان به روایت برگمان

استیگ بیورکمان، تورستن مانس و یوناس سیما

ترجمهٔ دکتر مسعود اوحدی

سروش

تهران ۱۳۹۷

شماره ترتیب انتشار: ۹۱۷/۴

فهرست مطالب

۷	سخن مترجم
۹	اینگمار بر گمان
۱۳	فیلمسازی چیست؟
۲۹	پیشگفتار
۳۱	سولنا، ۲۵ ژوئن سال ۱۹۶۸
۹۵	استودیوی فیلمسازی راسوندا، ۲۸ ژوئن سال ۱۹۶۸
۱۱۹	راسوندا، ۳ ژوئیه سال ۱۹۶۸
۱۴۳	راسوندا، ۱۶ اوت سال ۱۹۶۸
۱۷۱	راسوندا، ۱۸ اکتبر سال ۱۹۶۸
۱۹۷	راسوندا، ۳ فوریه سال ۱۹۶۹
۲۱۹	راسوندا، ۱۰ فوریه سال ۱۹۶۹
۲۵۳	نخستین ملاقات در راسوندا، ژانویه سال ۱۹۶۸
۲۶۵	استودیوی راسوندا، ۲۴ فوریه سال ۱۹۶۹
۲۸۵	استودیوی فیلمسازی راسوندا، ۲۴ فوریه سال ۱۹۶۹
۲۹۹	تئاتر دراماتیک سلطنتی، ۲۷ آوریل سال ۱۹۷۰
۳۱۳	فیلمشناسی

اینگمار برگمان

اینگمار برگمان، چهره‌ای که بیش از چهل سال بر سینمای سوئد تسلط داشته است، و یکی از معتبرترین کارگردانان- نویسندگان تاریخ سینمای جهان است، در سال ۱۹۱۸ در اوپسالا به دنیا آمد. برگمان در تئاتر، رادیو، و تلویزیون سوئد نیز آثار فراوانی از خود به جا گذاشته است. وسوسه و دلمشغولی مداوم، و غالباً بسیار تحلیلی‌گرانه او با مذهب در قالب قصه‌های اخلاقی، و تمهای معروف به دوپل گانگر و ستیز میان جسم و روح، بعضاً از دوران کودکی او نشأت می‌گیرد که به تمامی بر سیاق تعالیم و موازین سخت‌پدیری که «لوتر»ی مذهب، و کشیش ناحیه خودشان بود طی شد. اگر چه مقایسه برگمان با استریندبرگ بیش از حد ما را در درک آثار او محدود می‌کند، اما فیلمهای او با همان قدرتمندی آثار استریندبرگ، تب تابستانی و تاریکی زمستانی شخصیت سوئدی را منعکس می‌کند. این انعکاس از طریق گستره متنوعی از حالت‌های روحی، از کم‌دی پیچیده اخلاقی (درسی در عشق، سال ۱۹۵۴) تا دید فناگرایی او از آینده‌ای فاجعه‌آمیز (شرم، سال ۱۹۶۸) بیان می‌شود. شرم، بخش میانی از یک تریلوژی است که شامل ساعت گرگ و میش، سال ۱۹۶۸ و یک سودا است.

از سال ۱۹۳۸ کار هنری برگمان در تئاتر آغاز شد. فعالیت‌های برگمان در تئاتر، او را به مقام کارگردان تئاتر دراماتیک سلطنتی در استکهلم رسانید و از سال ۱۹۶۳ تا سال ۱۹۶۶ در این سمت آثار متنوعی به صحنه آورد. نخستین کار حرفه‌ای او در سینما، نوشتن فیلمنامه جنون در سال ۱۹۴۴ بود. در سال بعد بحران را نوشت و کارگردانی کرد. تقریباً بلافاصله و از همان آغاز، برگمان روش‌های کار و علقه‌های فرهنگی خود را که می‌رفت تا در بیش از سی فیلم به صورت «علامت تجارتي» برگمانی درآید، بنیان

گذاشت. در سال ۱۹۵۶، فیلمی را خلق کرد که بیش از هر اثر دیگری برایش شهرت بین‌المللی کسب کرد و آن فیلم، مهر هفتم بود که اخلاقیات قرون وسطایی را به تحلیل کشانده بود.

فیلمهای برگمان که از لحاظ مفهوم کاملاً شخصی محسوب می‌شوند، تا حدود بسیار، بخشی از سنت سینمای سوئدند که به کارگردانهای قدیمی همچون استیلر، شو برگ (که جنون را کارگردانی کرد) و شوستر و م (که نقش اصلی شاید محبوب‌ترین اثر سمپاتیک برگمان، توت فرنگیهای وحشی در سال ۱۹۵۷ را بازی کرد) مربوط می‌شود. گروه بازیگران همیشگی برگمان از جمله دو بازیگر مرد برجسته، ماکس فن سیدو و گونار بیورنستراند، و دسته‌ای از بازیگران زن به یادماندنی، اینگرید تولین، هریت اندرسون، اوا داهلبک، بیبی اندرسون، گونل لیندبلوم، و لیو اولمان بر شیوه تحول‌تمهای او تأثیر بسیار گذاشته‌اند. برگمان با در اختیار گرفتن کیفیات اساسی و صفات فیزیکی بازیگران خود، و تطبیق آنها با نیازهای فیلمنامه به موفقیتهای بزرگی دست یافته است.

یکی از مؤثرترین جلوه‌های آثار برگمان، احساس او نسبت به رنجها، اضطرها، و طبیعت خاص جنس زن، بخصوص در آثاری مثل خیلی نزدیک به زندگی (سال ۱۹۵۷)، سکوت (سال ۱۹۶۳)، و پرسونا (سال ۱۹۶۶) است. سبک قابل انعطاف برگمان دست‌اوردار استفاده از شمارگاناگونی از تکنیکهای دراماتیک که مناسب نیت مهم‌تر و برتر اوست باز می‌گذارد؛ تکنیکهای دراماتیک آشنایی همچون فارس، فانتزی، نمادگرایی، ناتورالیسم اسلوبی یکنواخت و شیوه‌گرایی سرشار دورانی خاص، رمانس‌های گرم و آفتابی، و سیاه‌ترین نوع سادیسم نزد اقوام آلمانی. دلمشغولی حزن‌انگیز و فزاینده برگمان با معضل روحی انسان، منجر به ارزیابی مجددی از نقش او در سینمای معاصر شده است. یکی از تمهای همیشگی او نقش غالباً مبهم هنرمند در جامعه است. اما برگمان، بی‌هیچ تزلزل، همچنان به عیان ساختن لایه‌های زیر درزیر آن «واقعیت فراسوی واقعیت» که حیطة برگزیده اوست، ادامه می‌دهد. در زمره دیگر آثار برتر او از این فیلمها می‌توان نام برد: بندر سرراه (سال ۱۹۴۸)، میان‌پرده تابستانی (سال ۱۹۵۰)، زنان در انتظار و تابستان با مونیکا (سال ۱۹۵۲)، خاک‌اره و پولک (سال ۱۹۵۳)، لبخندهای یک شب تابستانی (سال ۱۹۵۵)، جادوگر (سال ۱۹۵۸)، چشمه باکره (سال ۱۹۵۹)، چشم شیطان (سال ۱۹۶۰)، از درون آینه به

تیرگی (سال ۱۹۶۱)، روشنائی زمستانی (سال ۱۹۶۲)، حالا دربارهٔ این زنها (سال ۱۹۶۴)، پرستش (سال ۱۹۶۹)، تماس (سال ۱۹۷۱)، فریادها و نجواها، تخم مار، فلوت سحر آمیز، بعد از تمرین، مجموعهٔ تلویزیونی (وسپس تدوین آن در شکل فیلم سینمایی) صحنه‌هایی از زندگی زناشویی، سونات پاییزی، فانی و الکساندر و... از مشهورترین کتابهای نوشته شده دربارهٔ برگمان، دید شخصی اینگمار برگمان، نوشتهٔ یورن لانر، اینگمار برگمان، نوشتهٔ رایین وود، و اینگمار برگمان: تک نگاری، نوشتهٔ پیتر کاوی، برگمان به روایت برگمان: مجموعه گفتگوهای یوناس سیما، استیگ بیورکمان و تورستن مانس، و یک بررسی تاریخی در کتاب سوند ۲. برگمان در حال حاضر مشغول آفرینش فیلمی بر اساس زندگی والدین خود به نام حسن نیت است.